

# سیر تکامل و تطور ترویج منابع طبیعی در ایران

(از ابتدا تا انقلاب اسلامی)

● تهیه و تدوین: مهندس محمد هادی امیرانی

قسمت اول



## ● پیشگفتار

منظور از منابع طبیعی (در این نوشتار) عبارت است از: کلیه منابع خدادادی و خود ساخته‌ای که دست بشر در تولید اولیه آن نقش و سهم قابل ملاحظه‌ای نداشته است و هر گاه به علت توسعه تکنولوژی نوین، بشر قادر به اعمال تأثیری در این منابع شده، این تأثیر، در مجموع، جنبه حفاظت و بهره‌برداری اصولی را از آن منابع در بر داشته است.

این ترونها و نعمتهای خدادادی، منابع پر برکتی هستند که سالیان مدیدی موجب تأمین زندگی بخش عمده‌ای از اهالی کره زمین بوده است. زمین، آب و خاک، به عنوان مهمترین و سرارزش برین منابع طبیعی در مبحث کشاورزی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مقاله، وقتی صحبت از منابع طبیعی به میان می‌آید، منظور حنکله و مرتع خواهد بود.

در باب اهمیت منابع طبیعی و فواید و برکات آن، هر آنچه گفته و نوشته شده است، قادر نخواهد بود به طور جامع اثرات و جاذبه‌های آن را بیان نماید.

یکی از مهمترین عوامل سنجش روند توسعه در کشورهای مختلف، نتایج عملکرد آنها در ارتباط با حفظ، احیا و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی است. توسعه و رونق بخش منابع طبیعی تجدید شونده، به عنوان اصلی ترین ارکان زیر بنایی توسعه فلامداد می‌شود؛ حتی پیشرفت صنعت نیز، بر آن بنیان استوار است.

با مروری بر تجربیات کشورهای مختلف از جمله ایران، این نتیجه حاصل شده است که وجود منابع

طبیعی در بسیاری از جهات، از آن چنان اهمیت و قابلیت برخوردار است که اگر تحت برنامه‌های منظم، منسجم و هدایت شده، توأم با رهنمودها و نظرات علمی و ارشادی قرار گیرد می‌تواند کشور را در راستای نیل به تحقق آرمانهای خودکفایی و تأمین احتیاجات جامعه به مواد غذایی و مواد خام صنعتی، به سر منزل مقصود هدایت نماید.

منابع طبیعی به عنوان یکی از پرارزش‌ترین منابع و نعمات الهی، علاوه بر اثرات و جاذبه‌های فراوان، می‌تواند منبعی مطمئن، قابل اتکاء و بدون رقیب (بعد از نفت) در سرنوشت اقتصادی کشور، ذی‌مدخل باشد. لذا، لزوم حفظ، حراست و بهره‌برداری علمی، مدرن و صنعتی از این منابع، می‌باید در اولویت و به مثابه یکی از پشتوانه‌های خلل‌ناپذیر، دبرنامه‌ریزی اقتصادی کشور قرار گیرد.

از طرفی، وضعیت و شرایط فنی این منابع و مسائل اجتماعی، اقتصادی و روند تخریب و فرسایش آنها، در دهه‌های اخیر، به ما هشدار می‌دهد که بیکره این منابع، به عنوان زیر بنای مدنیت در حال انقراض است و بقای آن، در گرو همت و تلاش برنامه‌ریزان، مسؤولان و دست‌اندرکاران و میلیونها نفر از افراد روستائی، عشایر و جنگل‌نشین است که فعلاً و عملاً ارتباط بیشتری با این منابع دارند و این امر زمانی امکان‌پذیر است که با گسترش آموزش عمومی و ترویج در راستای تنویر افکار عمومی به ویژه روستاییان و عشایر، در جهت حفظ احیاء و بهره‌برداری اصولی از این منابع کوشش نماییم.

آموزش روستاییان و عشایر، برای حفظ بقای منابع طبیعی تجدید شونده، از اساسی‌ترین رسالتی است که ارگانها و نهادهای آموزشی و ترویجی ذیربط در این سرزمین بر عهده دارند.

در کشور ما، ترویج و نشر دانش و فنون نحوه حفظ و بهره‌برداری از منابع طبیعی، در طی مقاطع و دوره‌های مختلف تاریخی، در قالب اقدامات و فعالیتهای متنوع و گوناگونی انجام می‌گرفته است. این مقاله که حاصل یک پژوهش و مرور تاریخی است، سعی دارد به بررسی سوابق و عملکرد ترویج منابع طبیعی در کشور بپردازد امید است، این دسترنج که حاصل یک فعالیت پژوهشی در سنت زمانی

طولانی است مورد توجه و استفاده صاحب نظران، کارشناسان و عموم علاقمندان قرار گیرد و تجارت گذشته برای فعالیتهای آینده حاوی درسهای مفید و مؤثری باشد.

### مقدمه

بوم‌شناسی نشر دانش فنی در زمینه احیاء و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی در مقاطع و دوره‌های مختلف تاریخی، امری جالب و شایان توجه است. ولی در شرایطی که نظم و بنیان مشخص و روشنی در این زمینه وجود ندارد، قطعاً امری دشوار و نیازمند زمانی طولانی است. بدین لحاظ، برای انجام تحقیقات در این زمینه، تلاش وسیع و همه‌جانبه برای فراهم آوردن مطالب مورد نظر، لازمه ارائه کاری مؤثر و در خور توجه است.

اهمیت شناخت تاریخی از هر گونه فعالیتی، این است که چنانچه نحوه تغییرات، تحولات، مسیر فعالیتهای انحرافات و در نهایت تطور تکاملی یک پدیده و جریان مشخص گردد، ادامه طریق یا تکیه بر شناختی دقیق و همه‌جانبه و به نحوی مطمئن، مؤثر و کارا در راستای نیل به اهداف مورد نظر، استمرار خواهد یافت. لذا می‌توان از تجارب گذشته، برای چگونگی فعالیتهای آینده، درسهای فراوان آموخت.

در این مقاله، ضمن پرداختن به سوابق و عملکرد ترویج منابع طبیعی در کشور، روند تحولات تشکیلاتی و سازمانی اداره امور منابع طبیعی نیز، مورد توجه قرار گرفته است.

بررسیهای انجام شده در این تحقیق مؤید این است که، اصالت اندیشه‌های ارشادی و نشر دانش فنی در بخش منابع طبیعی، بسیار ریشه‌دارتر از آن است که به نظر آید. ولی این گونه فعالیتهای در قالب اقداماتی پراکنده و غیر رسمی با توجه به ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی، در مقاطعی از تاریخ و در برخی از نقاط کشور اجرا می‌شده است.

در بررسی نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی توسط انسان اگر روشهای متداول مورد دقت نظر قرار گیرد، می‌توان به حقیقت دریافت که ترویج یا نشر فنون گردآوری شود در این زمینه، در ابتدا مهمترین روال و ببنای معیشت در بین انسانهای اولیه بوده

است. و پس از آن به تدریج به تولید تکنولوژی، نوآوری و سپس نشر آن در بین جوامعی که یکی از دیگری پدید آمده‌اند، پرداخته است. رفته رفته که شکل‌گیری جوامع مختلف روبه توسعه تکاملی نهاد و حکومتیهای مختلفی تشکیل شد، تسلط بر منابع طبیعی، به عنوان یک منبع مطمئن و قابل اتکاء، در جهت کسب قدرت و درآمد و عامل حفظ و بقای حکومتها، همواره تحت سلطه و اختیار قدرتمندان قرار داشته است.

پس از شکل‌گیری و تسلط تشکیلات اداری و سازمانی حکومتها بر منابع کشور، از جمله منابع طبیعی، تصویب قوانین و اجرای آن در خصوص حفظ و احیاء و بهره‌برداری از منابع طبیعی و همچنین نشر ترویج دانش فنی در این زمینه، توسط نظام اداری و تشکیلاتی اداره امور منابع طبیعی کشور، به مرحله اجرا در می‌آمده است.

با مطالعه تاریخ اقتصادی ایران، این امر مستفاد می‌شود که توجه به حفظ و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی، قدمت تاریخی دیرینه‌ای دارد. علاقه به حفظ جنگلهای مصنوعی، از دوران باستان، از سنن مذهبی و حکومتی ایرانیان بوده است. در آیین زرتشت، دانش و فنون نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی در کتب دینی و در قالب پند و اندرزها و نصایح مذهبی به مردم گوشزد می‌شد، که این امر در واقع، نوعی ترویج منابع طبیعی، توسط رهبران و پیامبران مذهبی بوده است.

پس از ایجاد تشکیلات رسمی، جهت اداره امور کشاورزی و منابع طبیعی کشور در دوران حکومت قاجار، روند این اقدامات و فعالیتهای وارد مرحله تازه‌ای شد. از این دوران به بعد، رفته رفته، نظر مسؤولین مملکتی به ترویج دانش و فنون نحوه حفظ، احیاء و بهره‌برداری صحیح و اصولی از منابع طبیعی، بیش از پیش جلب شد، و اقدامات نسبتاً دامنه‌داری، از سوی تشکیلات رسمی کشور به عمل آمد.

در این مقاله جهت سهولت بررسی وقایع مربوطه، دوره تاریخی ترویجی منابع طبیعی به چهار مقطع زمانی به شرح زیر تقسیم شده است:

دوره اول: از ابتدا تا زمان اولین توجه سستند به اداره امور منابع طبیعی کشور (۱۳۲۵ قمری، ۱۲۸۵ شمسی)

دوره دوم: از سال ۱۲۸۵ شمسی تا سال ۱۳۲۰ (تشکیل وزارت کشاورزی)  
 دوره سوم: از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۱ (اجرای قانون ملی شدن جنگلها و مراتع کشور)  
 دوره چهارم: از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۷ (وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی)

برای پژوهش موارد مورد نیاز در این تحقیق، عمده‌ترین روش کسب اطلاعات، مرور تاریخی موضوع و رجوع به منابع مزبور در ذخایر علمی، تاریخی و انتشاراتی بوده است. گو این که رجوع به آرا و نظرات مجریان و دست‌اندرکاران قدیمی که امکان دسترسی به آنها وجود داشت، از نظر دور نماند.

## ● دوره اول از ابتدا تا تاریخ اولین توجه مستند به اداره امور منابع طبیعی کشور (۱۳۲۵ ق)

با آغاز خلقت انسان، بهره‌برداری از منابع طبیعی، نخستین گام بشر برای تأمین معیشت و بقای حیات بوده است. در این دوره، انسان برای تغذیه خود به شکار و استفاده از میوه‌ها و ریشه‌های گیاهان خود رو مبادرت می‌ورزید. در این ایام، طبیعت آموزشگر و انسان فراگیر به حساب می‌آمده و روشهای یادگیری، مشاهده و درگیری مستقیم با طبیعت بوده است.

هدف اصلی انسانهای اولیه، تهیه غذا و محلی‌س بود. نحوه زندگی انسانها غالباً انفرادی و نوع زندگی دفاعی بوده و این دوران، انسان مغلوب طبیعت بوده است.

بنابراین انسان قبل از روی آوردن به کشاورزی، برای بقای حیات، ناگزیر به منابع طبیعی وابسته بود و در نتیجه نوعی یادگیری غریزی، نظریاتاً تمایلی به تسلط به منابع طبیعی را پیدا کرده است. در این دوران، انسان ناچار بوده است، از اندیشه و قوه ابتکار خود برای بقای حیات استفاده کند. همین امر او را در جهت رخنه نمودن به تارو بود طبیعت هدایت نمود. لذا انسانها از همان ابتدای حضور خود در کره خاکی به بررسی، کشف، توسعه و تقویت روابط خود با طبیعت پرداخته و باتلاشی مستمر، از هر پیشرفتی برای تحکیم مبانی تسلط خود بر طبیعت بهره جسته اند.

پیامدهای ستیز و گزیر انسان با طبیعت جهت ساختن زندگی بهتر و فراهم آوردن شرایط مساعدتر، برای رستن از تنگنایهای زیست، انسانها را وادار به جاره جویی و برنامه‌ریزی در خصوص بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی نمود. این امر، دلیل قاطعی بود، برای رویکرد انسان به فعالیتهای تحقیقاتی، یادگیری و نشر فنون و دانش مربوطه در پیرامون محیط زندگی خود.

انسان، در ابتدا، در خصوص نحوه بهره‌برداری از امکانات طبیعی پیرامون خود، به تدریج به دانش، فنون و وسایل و ابزار مختلفی دست یافت و این دانش و تکنولوژی را دوره به دوره تکامل بخشید و آن را بین افراد و جوامع مختلف نشر داد.

با بررسی نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی توسط انسان، اگر روشهای متداول در این خصوص مورد دقت نظر قرار گیرد، می‌توان به حقیقت دریافت که ترویج یا نشر فنون گردآوری شده در این زمینه، در ابتدا مهمترین روال معیشت در بین انسانهای اولیه بوده است و پس از این دوران انسانها به فعالیتهای دامداری و زراعت روی آوردند و توانستند، خود را از وابستگی به طبیعت رها کنند.

بررسیهای تاریخی در ایران، نشان می‌دهد که قدمت فعالیتهای کشاورزی در کشور به شش هزار سال قبل می‌رسد و قبل از آن ایرانیان قرن‌ها به صحراگردی، چادرنشینی در زندگی آن در طبیعی اشغال داشته‌اند. (ص ۱۱، ۴۷)

در ایران باستان، تسلط بر ناسازگارهای طبیعت و آبادانی کمال مطلوب خدایی محسوب میشده است همچنین بررسی سیر تمدن در این زمان، از این امر حکایت دارد، که کشت و زرع و درختکاری، شرافت و قناست خاصی داشته و با پارسایی و دینداری توأم بوده است. (ص ۴، ۱۷)

شواهد متعدد تاریخی حکایت از آن دارد، که در قدیم الایام نواحی پهناوری از ایران، پوشیده از جنگلهای سرسبز و خرم بوده است. در اوستا، چندین بار به جنگلهای خرم اشاره شده است و مورخین متعددی نیز، از وسعت نواحی جنگلی در ایران سخن گفته‌اند، به عنوان مثال "هروودت" در شرح سفر جنگی خشایار به یونان، از وسعت نواحی جنگلی ایران سخن می‌گوید. علاقه به حفظ جنگلهای طبیعی و حتی ایجاد جنگلهای مصنوعی در دوران باستان، از سنن مذهبی و حکومتی ایرانیان بوده است. بنابراین شواهد



تاریخی در ایران باستان، نشانگر این امر است که کشتکاری و درختکاری، شغل عمده ایرانیان بوده و آنرا وظیفه مذهبی خود میدانسته‌اند. آنها، فرشتگان را پاسبانان زمین خود می‌انگاشتند که دائماً از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رفته تا زمینهای خشک و باتلاقی را به باغستانهای سرسبز و خرم مبدل سازد. واضح است، که این اعتقادات، مستلزم نشر دانش و تجارب درختکاری و بهره‌برداری از منابع طبیعی بوده که از فردی به فرد دیگر و از گروهی به گروه دیگر توسعه می‌یافته است. آیا این روال به غیر از ترویج فنون مربوط به آن، از طریق دیگر مقدر بوده است؟ آیا امکان توسعه این گونه امور، بدون اشاعه فنون تولید بین مردم و آرایه راهنماییهای فنی، امکان‌پذیر بوده است؟

با مروری بر حوزه قلمرو حکومتهای پیش از اسلام در ایران، می‌توان دریافت که به دلیل اهمیت منابع طبیعی و کشاورزی در زندگی مردم و اقتصاد کشور، اقتدار حکومتها از طریق تسلط بر این منابع حاصل می‌شد و به همین دلیل همواره بهترین و مناسبترین اراضی، کشتزارها، جنگلها و دیگر منابع طبیعی، در قلمرو حکومتهای وقت بوده است و حکام از طریق تسلط بر این منابع و کسب عایدات آن، قادر به حکومت بوده‌اند. (ص ۱۱، ۴۸)

در عهد هخامنشی، بسیاری از شاهان، شاهزادگان و امرا، نسبت به پرورش درختان و ایجاد باغات سرسبز که به آن پردیس (PARADIS) می‌گفتند، توجه و اهتمام خاصی داشتند. مردم ایران بسیاری از درختان از جمله سرو را مقدس می‌دانستند. این دلبستگی فراوان ایرانیان به درختکاری و باغبانی، یونانیان را به شگفتی می‌آورد. حتی نقل است که یکی از دلایل لشکرکشی خشایار شاه به یونان و سوزاندن آن، انتقام‌گیری برای سوزاندن "ساردو" جنگل مقدس، به وسیله مردم یونان بوده است. (ص ۴، ۲۷).

در عهد هخامنشی، استانهای شمالی و شمال شرقی کشور، به ویژه کرانه دریای مازندران، بسیار سرسبز و خرم و دارای چراگاههای بزرگ و انبوه بوده است و محل پرورش بهترین نوع اسب در دنیا به شمار می‌آمد. (ص ۱۱، ۴۹)

"گزنفون" می‌گوید: جوانان بارسای در ساعات پس از چاشت و فراغت از ورزشها، به درختکاری و زراعت و فنون دستی می‌پرداخته‌اند و تعلیم و تربیت تمام رشته‌های کشتکاری و فلاح، از پدر به پسر و از استاد به شاگرد آموخته می‌شد. در ضمن شالوده مذهبی کشتکاری و تعلیم و تربیت آن بی‌گمان تشرافت و قداست خاصی بدان می‌بخشیده است. (ص ۴، ۲۸)

حنین نکات روشنی از تاریخ ایران، سند کاملاً گویایی از ترویج علوم و فنون تولید، بین مردم بوده است و نشان دهنده روش آموزش خانوادگی یا کارگر و کارفرماست. همچنین در این دوران، در آیین زرتشت، دانش و نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی، در قالب بند و اندرز و نصایح مذهبی به مردم گوشزد می‌شد که این امر، در واقع نوعی ترویج و نشر اطلاعات فنی توسط رهبران مذهبی بوده است.

علاوه بر موارد فوق، آثار باستانی به دست آمده از نقاط مختلف ایران، نشانگر قوی بودن روابط اجتماعی در آن دوران و نشر سریع نوآوریها در جوامع مختلف است. به طور مثال، در ۳۳۰۰ سال قبل از میلاد، در مناطق ری و کاشان و دامغان، به یک سبک و روش، تصویر درخت روی سفالها نقش شده است که نشانگر آشنایی صنعتگران مناطق مختلف به یک روش واحد درختکاری و آشنایی کشاورزان مناطق گوناگون به سبک درختکاری است. (ص ۴، ۲۴) اگر این سفالها را، نوعی نشریه ابتدایی ترویجی و وسیله‌ای برای انتقال تکنولوژی کشاورزی و درختکاری به حساب آوریم، تعبیر نادرستی به عمل نیاورده‌ایم.

پس از ظهور، نفوذ و رشد اسلام در ایران، نه تنها از اهمیت کشاورزی و منابع طبیعی کاسته نشد، بلکه با توجه به اهمیت وافر که دین مبین اسلام به این گونه امور داشت، توجه به کشاورزی و حفظ منابع طبیعی رو به گسترش نهاد ولی در دوران تسلط اعراب بر ایران به علت عدم علاقه اعراب به امور کشاورزی و منابع طبیعی و عدم حمایت از آن، لطماتی به این منابع وارد آمد. در دوران حکومت بنی امیه و خلفای عباسی، به علت افزایش اخذ مالیات از روستاییان، علاقه چندانی از سوی مردم به عمران و آبادی وجود نداشت. (ص ۱۴، ۱۰۱)

در طی قرنهای سوم و چهارم پس از هجرت، به علت زوال سلطه خلفای عرب بر ایران، استقلال از دست رفته مجدداً به کشور بازگشت و فعالیتهای عمرانی موجب تجدید حیات بخش کشاورزی و منابع طبیعی کشور شد. تا این که پس از حمله مغول به ایران و ادامه سلطه آنها به کشور، فعالیتهای عمرانی چندین دهه قبل، رو به انحطاط و خرابی نهاد. تنها در عهد غازان خان و در دوره صدارت وزیر با تدبیر و دانشمند وی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، اقدامات دامنه‌داری جهت احیای بخش کشاورزی و منابع طبیعی کشور انجام شد. امین وزیر با تدبیر، همچنین مؤلف کتاب معروف آثار و احیای اخبار و آثار است که تا این تاریخ، به عنوان نخستین کتاب ترویج فنون کشاورزی تا قرن هشتم، شناخته شده است. در زمان صدارت امین وزیر کارخان و لایق، باغهای تبریز به مرکز تحقیقات باغبانی تبدیل گردید و باغات نمایشی و آزمایشی دایر شد و در خصوص انتقال نهال و درخت از خاور دور و بیوندزی و اصلاح درختستان از سوی وی کارهایی صورت گرفت. (ص ۱۴، ۱۰۶)

به این ترتیب، دوره غازانی، روزگار نشر رسمی فنون و دانش کشاورزی و منابع طبیعی در ایران است. در این ایام از کشاورزی و عمران و آبادی اراضی و بخش منابع طبیعی کشور، به خوبی حمایت می‌شد. (ص ۱۱، ۵۱)

در دوران حکومت سلجوقیان و صفویه نیز، به عمران و آبادانی کشور، توجه ویژه‌ای مبذول می‌گردید. به خصوص در دوران سلطنت شاه عباس، که اقدامات وی به بهبود وضعیت اقتصادی و کشاورزی کشور منجر شد. ولی در اواخر دوره صفویه، کشاورزی ایران رو به انحطاط نهاد. در عهد صفویه، تألیف فراوانی در زمینه فلاح منتشر شده، که از عمده‌ترین آنها، کتاب ارشادالزراعه می‌باشد.

در دوران حکومت قاجاریه، بر اثر ضعف و عدم توجه حکومت مرکزی و سوءاستفاده‌های حکام محلی، وضعیت جنگل در ایران روز به روز حالت نامطلوبی به خود می‌گرفت، تا این که زنگ خطر انهدام جنگلها برای مسئولین مملکتی به صدا درآمد و آنان را به چاره اندیشی واداشت.

در یک جمع بندی کلی از وقایع مربوط به مقطع زمانی فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت، که در این ایام فعالیتهای ترویجی مربوط به امور منابع طبیعی، عمدتاً در چارچوب فعالیتهای غیر رسمی و پراکنده، در قالب اعتقادات و نصایح مذهبی، روابط خانوادگی، استاد و شاگردی، کارگر و کارفرما، روابط قومی و محلی و در برخی موارد در قالب اقدامات حکومتی انجام می‌گرفته است.

موارد استفاده از منابع طبیعی، عبارت بوده از: استفاده از جویهای جنگلی جهت ساختن عمارتها، بناهای حکومتی، ساختمانهای مختلف، بهره‌برداریهای صنعتی، تولید هیزم، ذغال، ساختن کشتی و غیره.

از موانع نیز جهت پرورش اسب و دامهای اهلی استفاده شده است.

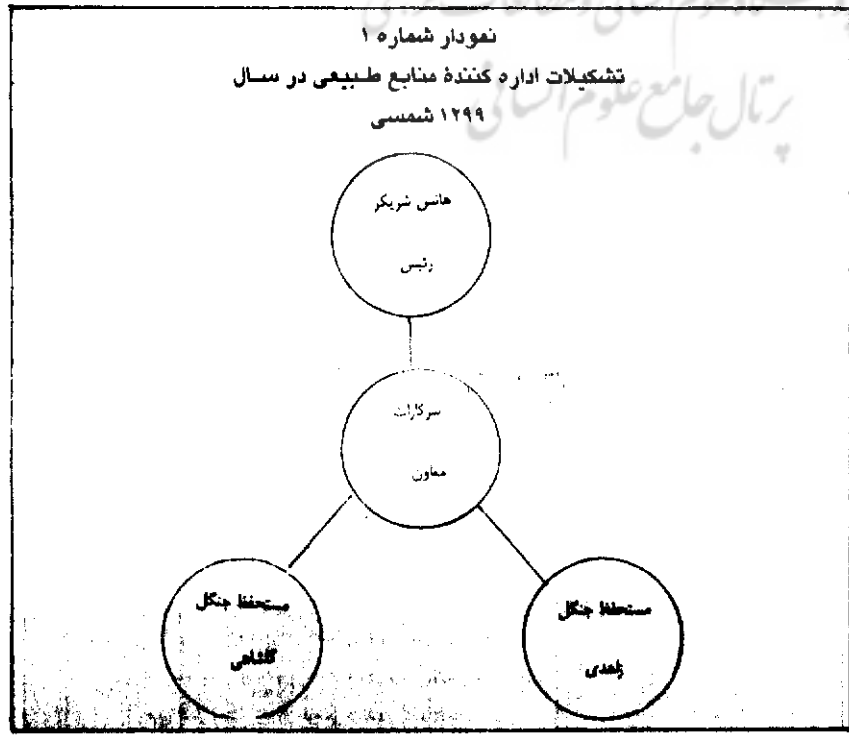
خطراتی که منابع طبیعی کشور را در این دوره تاریخی در معرض تهدید و انهدام قرار داده است، عبارت بوده است از: تاخت و تازها، وقوع جنگلها، بهره‌برداری غیر اصولی و سوءاستفاده حکام مرکزی، مالکان خصوصی و حکام محلی در جهت کسب عایدات افزونتر.

خارجی گرفتند. اولین امتیاز بهره‌برداری از جنگل، در سال ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ میلادی) در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به یک نفر تبعه انگلیس، به نام بارون جولیوس رویتر اعطا شد. مجدداً در سال ۱۳۰۴ قمری (۱۸۸۶ میلادی) امتیاز چوب‌بری گیلان برای مدت دو سال به روسها واگذار شده (ص ۸۸، ۲).

در دوران قاجار، بر اثر ضعف و عدم توجه حکومت مرکزی و سوءاستفاده‌های حکام محلی و مالکان خصوصی، وضع جنگلی روز به روز به حالت نامساعدتری درآمد. به طوری که در صورت ادامه آن وضعیت، جنگلهای ایران در خطر انهدام و نابودی قرار می‌گرفتند.

در اولین کابینه قانونی، پس از اعلام مسروطیت، در وزارت فواید عامه و فلاح و تجارت، اداره‌ای به نام "اداره شوسه و راه‌آهن و جنگلها" تشکیل شد. در سال ۱۲۸۸ شمسی این اداره به وزارتخانه‌ای مستقل، تحت عنوان "وزارت طرق و شوارع و جنگلها" تبدیل گردید (ص ۸۸، ۳). این تغییر و تحولات سازمانی، نشانگر توجه بیش از پیش دولت به اداره جنگلها و نحوه بهره‌برداری از آن می‌باشد.

در سال ۱۲۹۷ شمسی، عده‌ای از بازرگانان و شرکتهای خارجی شروع به بهره‌برداری از جنگلهای شمال نمودند و مواد حاصل شده را با پرداخت عوارض گمرکی ناچیز، از کشور خارج کردند. برخورد اتفاقی برخی از مسؤولین با آمار گمرکی، دولت را به اهمیت حراست از جنگلها واقف نمود. لذا، در همان سال، از سوی وزارت فواید عامه و فلاح و تجارت، اقداماتی در خصوص نقشه‌برداری و مساحی جنگل به عمل آمد تا نسبت به تفکیک جنگلهای دولتی، خصوصی و اربابی اقدام نماید. این فعالیتها، به علت مصادف شدن با قیام میرزا کوچک‌خان بدون نتیجه ماند. در آن زمان، در تشکیلات اداری "اداره کل فلاح و تجارت"، علاوه بر شعبه فلاح و تجارت، شعبه‌ای نیز به نام "شعبه جنگلی" برای اداره امور جنگلها در نظر گرفته شده بود.<sup>۱</sup> (ص ۱۲، ۱۷۹) در سال ۱۲۹۹ وزارتخانه فوق، یک سازمان ابتدائی را، برای اداره جنگلهای شمال تشکیل داد. وظیفه این سازمان، نقشه‌برداری از جنگلها، تفکیک جنگلهای خالصه از شخصی و تعیین جنگلهای بکر و قابل استفاده از جنگلهای مخروبه و بوته‌راز بود. (نمودار شماره ۱)



## ● دوره دوم از سال ۱۲۸۵ (اولین توجه مستند به اداره امور منابع طبیعی) تا سال ۱۳۲۰ (تشکیل وزارت کشاورزی)

لرد کروزون، نایب السلطنه هندوستان، که در سال ۱۸۸۹ میلادی سفری به ایران نموده بود، در یادداشت خود چنین می‌نویسد: طبعیت از حیث وفور منابع در گیلان و مازندران هیچ گونه کوتاهی نکرده است، ولی از این همه منابع تا به حال هیچ استفاده‌ای نشده است... فعلاً هیچ اساسی علمی برای جنگلداری و ترتیب آن اتخاذ نگردیده است و از درختانی که ممکن است، سالیانه مبالغی عاید دولت کند، غفلت می‌شود. (ص ۵۵، ۲۴)

در زمان حکومت قاجار، حکام وقت به منظور کسب درآمد و عایدات دولتی، تصمیم به بهره‌برداری از جنگلها و اعطای امتیاز چوب‌بری به شرکتهای دول



گروه مزبور، به رغم این که از نظر مالی و دیگر مشکلات متفرقه در مضیقه بوده، با این حال با علاقه‌مندی وظایف تعیین شده را انجام می‌داد و گزارشهای متعددی را منضم به نقشه‌های تهیه شده از جنگلهای مرکز ارسال می‌داشت. (ص ۱۵).

در سال ۱۳۰۲، دولت شخص دیگری به نام قندم‌هاگن (اهل آلمان) را به عنوان متخصص جنگل، برای مدت سه سال استخدام نمود، البته این مدت برای سه سال دیگر تمدید شد. نخستین اقدام این شخص آن بود که دولت با تأمین پرداخت بودجه‌های مخصوص جهت جنگلهای موافقت نمود و از اوایل سال ۱۳۰۳ عده‌ای به نام مستحفظ و قراول جنگل استخدام و به شمال کشور اعزام کرد.

سازمان اداری و فنی جنگلیانی، در سال ۱۳۰۳ شامل تشکیلات زیر بود:

۱- تشکیلات مرکزی: شامل یک نفر متخصص (قندم‌هاگن) یک رئیس اداره، مترجم و چند نفر کارمند

۲- تشکیل مازندران و گرگان: شامل ۳ نفر مستحفظ و یک نفر قراول جنگل، تحت ریاست هانس شریکر (مرکز این تشکیلات بایلسر فعلی بوده است)

۳- تشکیلات گیلان، شامل: ۳ نفر مستحفظ و یک نفر قراول، تحت ریاست سرکارات (مرکز این تشکیلات رشت بوده است). (ص ۸، ۱۰)

این اقدامات به نحوی مؤثر افتاد که در سال ۱۳۰۳، هیات دولت از طریق صدور تصویب نامه‌ای، جنگلهای را ثروت ملی قلمداد نمود که باید تحت نظارت و اداره دولت قرار گیرد (مگر آنکه تعلق آنها به مالکین خصوصی برحسب اسناد و مدارک معتبر ثابت شده باشد). همچنین دولت از طریق وزارت فلاحه، مسئولیت نظارت فنی، قطع و غرس نهال، اجاره جنگلهای، حفظ حراست و اجازه صادرات را به عهده گرفت. لیکن به علت کاهش تعداد مستحفظین و کاهش بودجه جنگلیانی، از صدور تصویب نامه فوق،

نتیجه مورد نظر حاصل نشد و سازمان نامبرده تا اواسط سال ۱۳۰۷ چندان توسعه نیافت (ص ۸، ۱۱) بعدها، دولت در سال ۱۳۱۱، در هیات وزراء، موارد زیر را از تصویب گذراند:

۱- تفکیک جنگلهای غیرصنعتی، اعم از جنگلهای دولتی یا شخصی

۲- ممنوعیت تبدیل جنگلهای صنعتی به اراضی زراعی

۳- نظارت فنی اداره کل فلاحه، بر نحوه بهره‌برداری از جنگل و غرس نهال

در سال ۱۳۱۷، بنا به ضرورت، سازمان کوچکی جهت رسیدگی به گزارشهای واصله از جنگلهای گیلان و آستارا و سدور دستورات لازم، در مرکز تشکیل شد. این سازمان، در اداره امور کشاورزی تهران قرار داشت. نام این سازمان، دایره جنگل بود که ریاست آن را مرحوم مهندس ساعی به عهده داشت. بر اثر فعالیتها و اقدامات مشارالیه، توجه اداره کل کشاورزی بیش از پیش به ترویج اصول صحیح جنگلداری و بهره‌برداری علمی و اصولی از این منابع، جلب شد و مقرر گردید، اداره جداگانه‌ای به نام اداره جنگلیانی به ریاست خود ایشان در اداره کل کشاورزی تشکیل شود (ص ۵، ۸).

پس از تشکیل اداره جنگلیانی در سال ۱۳۱۸، آقای مهندس ساعی، گزارش جامعی در باب لزوم تشکیل سازمان جنگلیانی تنظیم نمود و از طریق رئیس کل کشاورزی (آقای رام) به اطلاع رضا شاه رسانید. شاه مقرر شد این سازمان، ابتدا در محل کوچکی تشکیل شود، برای این منظور سلفه کجور انتخاب گردید. لیکن به دلیل وقایع قبل از سال ۱۳۲۰ و بروز مشکلات مملکتی، ادامه این عملیات منسر نشد تا آن که در اثر حوادث شهر یور ۱۳۲۰، معین ماند و رفته رفته از بین رفت (ص ۸، ۱۱).

● فعالیتهای ترویج منابع طبیعی در دوره دوم  
در ابتدای این دوره، که مصادف است با حاکمیت سلطنت قاجار، کشور ایران، دچار یک دوره زوال و رکود اقتصادی بود. سطره روزافزون سیاسی و اقتصادی روس و انگلیس بر کشور و حکومت ناسواند قاجار که نحوی فزاینده به استثمار مرده‌تریش داشت، شموماً علل اصلی و اساس این رکود اقتصادی

جدول شماره (۱) شرح تحولات اداری در امور منابع طبیعی کشور (از ابتدا تا سال ۱۳۲۰)

زمان	شرح تحولات سازمانی و اداری	وظایف، مسئولیتها و علل تفسیر و تحولات به عمل آمده
۱۳۰۵ شمسی	تشکیل اداره ثوب و راهبان و جنگلهای	بهره‌برداری از جنگلهای بمنظور کسب درآمد و عایدات دولتی و حکومتی
۱۳۰۸ شمسی	تشکیل وزارت طرق و شوارع و مغان و جنگلهای	بهره‌برداری از جنگلهای بمنظور کسب درآمد و عایدات دولتی و حکومتی
۱۳۱۶ شمسی	تشکیل اداره کل فلاحه و تجارت و زراعت دایره جنگلهای و آنها	نظارت و کنترل هر چه بیشتر دولت از طرق اداره کل فلاحه بر نحوه بهره‌برداری از منابع جنگل و اسباب
۱۳۰۲ شمسی	تشکیل اداره کل جنگلیانی	امکان از نحوه کنترل و نظارت امور جنگلهای در سایر کشورها
۱۳۱۷ شمسی	تشکیل دایره جنگل در اداره امور کشاورزی	تشکیل این دایره و انتصاب آقای مهندس کریم ساعی را بعنوان مهمترین واقعه در اداره امور منابع طبیعی کشور بحساب آورد در این نام ناهدودی زمینه لازم برای اداره امور جنگلهای بر اساس موازین علمی مهیا شده بود.
۱۳۱۸ شمسی	تشکیل اداره کل کشاورزی در وزارت اقتصاد ملی و ایجاد ادارات مستقل تحت عنوان «اداره جنگلیانی»	با ایجاد این اداره، زمینه لازم جهت ارائه نظرات علمی و ترویج دانش نوین جنگلداری توسط مرحوم مهندس ساعی فراهم شد.
۱۳۱۹ شمسی	ارائه گزارش مرحوم ساعی در خصوص لزوم تشکیل سازمان جنگلیانی که توسط رئیس کل کشاورزی وقت (آقای رام) به اطلاع رضاخان رسید و مقرر گردید ابتدا در محل کوچکی در شمال کشور از پیش شود.	

تاریخ: ۱۳۳۱ - سال: ۱۳۳۱ - شماره: ۱۳۳۱ - فصل: جنگلهای

به شمار می‌آیند.

در این دوران، به علت عسرت مالی حکومتها، بهره‌برداری غیر اصولی از منابع طبیعی وغارت این منابع توسط شرکتها و دول خارجی، این منابع، در معرض خط انهدام کلی قرار داشتند. بنابراین در این ایام نه تنها، گام مفید و مؤثری در زمینه ترویج منابع طبیعی برداشته شد؛ بلکه، آنچه که مدنظر حکومتهای وقت بود، تاراج منابع ملی، توسط خود و شرکاه خارجیشان بوده است.

بعد از کودتای اسفند ۱۲۹۹ و برقراری امنیت و ثبات نسبی بر کشور، اقداماتی در جهت عمران و بهبودی وضعیت کشاورزی و منابع طبیعی کشور به عمل آمد و قوانینی در خصوص حفظ، حراست و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی، به تصویب رسید و بمرور اجرا گذارده شد. این ایام که مصادف بود با توسعه تشکیلات و نظام اداری کشور، وظایف دولت در بخش کشاورزی، به سه دسته عمده تقسیم شده بود:

#### ۱- تحقیق و ترویج کشاورزی

#### ۲- حفظ جنگلها و مراتع کشور و اقدام سرجهت

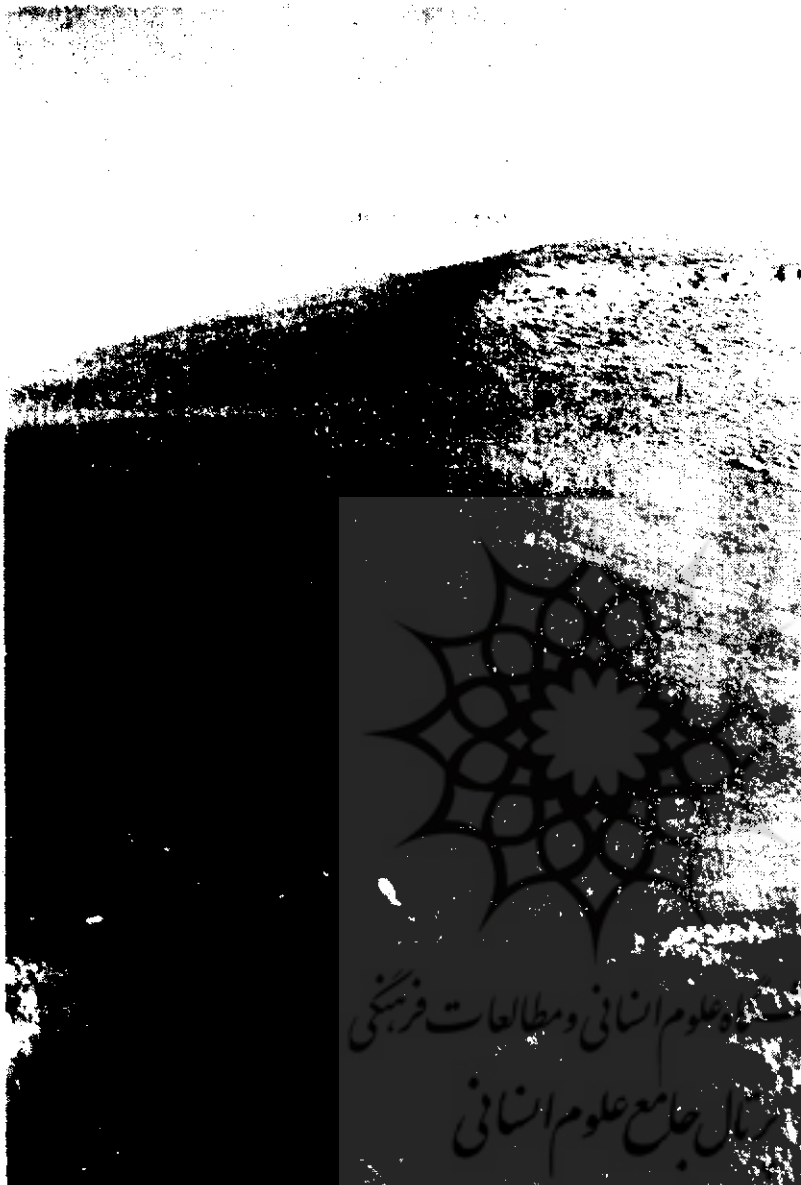
بهبود آنها

#### ۳- ارائه خدمات پشتیبانی و ایجاد تأسیسات

زیربنایی

این مسئولیتها و وظایف، در سال ۱۳۱۸، که همزمان با تشکیل اداره کل کشاورزی در وزارت اقتصاد ملی بود، از سوی آن اداره اعلام گردید. (۹، ص ۱۲) ولی، قبل از این، در سال ۱۳۱۷، که دایره جنگل تحت ریاست مهندس ساعی در اداره امور کشاورزی تشکیل شد، زمینه‌های لازم برای اداره امور جنگلداری بر اساس موازین علمی مهیا گردید. پس از تأسیس اداره مستقل جنگلیانی در سال ۱۳۱۸، ارائه نظرات علمی و نشر دانش نوین جنگلداری که توسط مرحوم ساعی به مرحله اجرا در می‌آمد، نقطه عطفی در خصوص ترویج امور منابع طبیعی از طریق سازمانهای اداری و رسمی کشور تلقی می‌شود. (۸، ص ۱۹)

البته این اقدامات و فعالیتهای، پس از شهریور ۱۳۲۰ (بعد از تشکیل وزارت کشاورزی) شتاب بیشتری گرفت و دامنه توسعه و گسترش آن نیز افزایش یافت. روند این تحولات در قسمت بعدی مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.



### فهرست منابع

- ۱- اشرفی، چنگر و مین‌الدین حسن، مراتع کشور، مجله جنگل و مرتع، سازمان جنگلها و مراتع کشور، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۲.
- ۲- امیرزی، محمدهادی، بررسی سابق و عملکرد ترویج کشاورزی (از سال ۱۲۷۹ الی ۱۳۲۰)، ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهادسازندگی، ۱۳۷۲.
- ۳- ایروانی، هوشنگ، تاریخچه ترویج و آموزش کشاورزی، مقاله ارائه شده به ششمین سیمینار علمی ترویج کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات سازمان ترویج، ۱۳۷۱.
- ۴- بهرامی، تقی، تاریخ کشاورزی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰.
- ۵- بیان، غلامعلی، تاریخچه جنگلیانی در ایران، مجله جنگل و مرتع، سازمان جنگلها و مراتع کشور، شماره‌های هشتم و نهم، سال ۱۳۷۰.
- ۶- لیبس، زولبوس، تاریخ مختصر جامعه، ترجمه ایرج آسانی، انتشارات گونیسری، ۱۳۵۹.
- ۷- میسون، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یغوب ازند، ۱۳۶۲.
- ۸- وزارت جهادسازندگی، معاونت آموزش و تحقیقات، سیر تحول تشکیلات جنگلیانی، ۱۳۷۱.
- ۹- وزارت کشاورزی، سازمان و وظایف وزارت کشاورزی مصوب ۱۳۲۷، تهران ۱۳۲۸.
- ۱۰- ملک محمدی، ایرج، مبنای ترویج کشاورزی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۱۱- ملک محمدی، ایرج، بررسی سابق و عملکرد ترویج کشاورزی از ابتدا تا مال ۱۳۷۹، ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهادسازندگی، ۱۳۷۱.
- ۱۲- میرحیدر، حسین، از تیول تا انقلاب ارضی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- ۱۳- باوری، احمدرضا، شناختی از کشاورزی سنتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰.
- ۱۴- باوری، احمدرضا، شناختی از کشاورزی سنتی ایران، نگاه برجه و نشر، ۱۳۵۹.